

بررسی و لایه‌نگاری محوطه‌ی برده گُنته مهاباد

علیرضا هژبری نوبری^۱، سید مهدی موسوی کوهپیر^۱، عبدالکریم اسمعیلی^۲ و شاهین آریامنش^{۳*}

چکیده

محوطه‌ی برده گُنته در جنوب حوضه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه و در شهرستان مهاباد استان آذربایجان غربی قرار گرفته است. این محوطه مهم با آثار معماری دست‌کند صخره‌ای شامل مجموعه پلکان‌ها، تونل، چاله و دیوار تراش‌ها در نزدیکی محوطه‌ی گور دخمه‌ی فخریگاه قرار دارد. این پژوهش بر اساس هدف از نوع پژوهش‌های بنیادی و ماهیت و روش آن از نوع پژوهش‌های تاریخی و باستان‌شناسی به‌شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی است. نگارندگان در این مقاله نخست به مانایان در شمال غرب ایران براساس پژوهش‌های تاریخی می‌پردازند و در ادامه نتایج حاصل از اولین فصل بررسی و لایه‌نگاری محوطه‌ی تپه برده گُنته را بیان می‌کنند که به شناسایی استقرار مانایی در آن انجامید. مطالعه و بررسی داده‌های سفالی به‌دست آمده از اولین فصل بررسی و لایه‌نگاری این محوطه بیانگر آن است که محوطه‌ی مذکور از لحاظ زمانی متعلق به عصر آهن III بوده و آثار سفالی آن مشابه سفال‌های محوطه‌های مانایی همچون تپه قلاچی بوکان، تپه ریط، تپه زیویه، قلعه بردینه، زندان سلیمان و کول تاریکه است.

واژه‌های کلیدی: مانا، دوره‌ی آهن III، تپه برده گُنته، سفال، معماری دست‌کند صخره‌ای.

ارجاع: هژبری نوبری، ع. موسوی، س. م. اسمعیلی، ع. و آریامنش، ش. ۱۳۹۹. بررسی و لایه‌نگاری محوطه‌ی برده گُنته مهاباد. نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام، ۵ (۱): ۴۵-۵۸.

۱- گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

۲- دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

۳- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن

* نویسنده مسئول: arvamanesh_shahein@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

مقدمه

بیان مسئله: مانایان تیره‌ای بودند که از اوایل هزاره‌ی اول ق.م تا سال‌های پایانی سده‌ی هفتم ق.م در شمال غرب ایران جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند چنان‌که در کتیبه‌های آشوری از آنان یاد شده است. همچنین کاوش‌های باستان‌شناسی به یافت محوطه‌های متعدد مانایی در شمال غرب ایران انجامیده است.

اهداف و ضرورت پژوهش: با توجه به حضور بلندمدت مانایان در منطقه‌ی شمال غرب ایران، پژوهش‌های چندی درباره‌ی آنان انجام شده است. نگارندگان در این مقاله براساس شواهد تاریخی و نیز یافته‌های باستان‌شناسی به ارائه‌ی نتایج حاصل از اولین فصل بررسی و لایه‌نگاری محوطه‌ی تپه برده گُنته می‌پردازند که به شناسایی استقرار مانایی در آن انجامید.

پرسش و فرضیه: پرسش این پژوهش چنین است که چه پیوندی میان یافته‌های باستان‌شناسی محوطه‌ی برده گُنته با فرهنگ مانایی وجود دارد؟ فرضیه‌ی پژوهش این است که با توجه به قلمرو مانایان، یافته‌های باستان‌شناختی برده گُنته می‌تواند با یافته‌های مانایی تپه قلاچی بوکان، تپه ربط، تپه زیویه و قلعه بردینه مشابهت‌هایی داشته باشد.

روش پژوهش: این پژوهش از نوع پژوهش‌های بنیادی است و ماهیت و روش آن از نوع پژوهش‌های تاریخی و باستان‌شناسی به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی است. در گام نخست روش و ابزار گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است. ابزار گردآوری اطلاعات در این روش به‌صورت فیش‌برداری است. در ادامه به یافته‌های باستان‌شناسی حاصل از لایه‌نگاری محوطه‌ی برده گُنته پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش: اولین مطالعه‌ی باستان‌شناسی محوطه‌ی برده گُنته در قالب بررسی میدانی از محوطه‌های شمال غرب ایران توسط ولفرایم کلایس در دهه‌ی ۶۰ میلادی به‌منظور شناسایی محوطه‌های اورارتویی در ایران انجام گرفت. کلایس حاصل مطالعات خود را در سال ۱۹۷۰ میلادی در AMI منتشر کرد و آن را اورارتویی قلمداد کرده بود، که فاقد آثار سفال اورارتویی بوده است (Killais, 1970). او از تپه، نقشه و کروکی دستی تهیه کرده

که وضعیت تپه نسبت به عوارض مصنوعی مشخص شده است؛ همچنین به عناصر معماری دست‌کند محوطه تا حدودی اشاره کرده است (شکل ۳). کلایس این محوطه را با نام محوطه‌ی شیطان‌آباد (که نام درست آن تپه شیطان است) معرفی می‌کند (Killais, 1970: 117). پس از او تنها اقدام صورت‌گرفته در خصوص بازشناسی این محوطه از سوی سازمان میراث فرهنگی کل کشور، معرفی آن به‌عنوان یک محوطه‌ی هزاره اول ق.م بوده است.

موقعیت جغرافیایی برده گُنته

محوطه برده گُنته در عرض جغرافیایی "۳۶°۴۹'۴۲" N و طول جغرافیایی "۴۵°۴۴'۵۶" E: به‌فاصله‌ی تقریباً ۷ کیلومتری شهرستان مهاباد و ۱ کیلومتری روستای یوسف‌کند، واقع بر سر راه جاده‌ی مهاباد به ارومیه قرار گرفته است (شکل ۱). برده گُنته کلمه‌ای کُردی است مرکب از سه قسمت بُرد Bard به‌معنای سنگ، گُن Kon به‌معنای سوراخ و حفره و تِه پسوند داشتن؛ در کل به‌معنای سنگ حفره‌دار است؛ البته امکان دارد که گُن با تلفظ Kun به‌معنی کهن نیز بوده باشد که در این صورت سنگ کهن و دیرین معنی می‌شود (رادمیدی‌نیا، ۱۳۸۷: ۳۰). محوطه در کنار دو عارضه‌ی مصنوعی، جاده در سمت غرب و کانال آبرسانی در سمت شرق محوطه قرار دارد (شکل ۲). جاده‌ی مذکور قسمتی از تپه را از بین برده؛ در واقع از دامنه‌ی تپه عبور کرده و آن را به دو قسمت کرده است به‌طوری‌که دنباله‌ی آن در طرف دیگر جاده واقع شده است. به موازات کانال آبرسانی که در دوره‌ی محمدرضا شاه پهلوی احداث شده؛ پیش‌تر مسیر رودخانه‌ی مهابادرود جریان داشته که درست از زیر پای قسمت صخره‌ای تپه عبور می‌کرده است و هنوز داغ ایجاد شده از برخورد سطح آب بر دامنه‌ی آن قابل مشاهده است.

محوطه‌ی برده گُنته به صورت دو قلو بوده که ارتفاع تپه‌ی اصلی که آثار دست‌کند صخره‌ای در آن قرار دارد بیشتر است. تپه‌ی اصلی ساختاری خاکی-صخره‌ای دارد و مساحت آن در حدود ۸۱×۷۵ متر مربع است و ارتفاعش از سطح دریاهای آزاد حدود ۱۳۰۰ متر است. جنس ساختمان صخره‌ای آن از نوع تراورتن (آهکی) است.

تپه شیطان نام محوطه‌ای استقراری دیگری بوده که هم‌عصر با تپه برده کُنته و در فاصله‌ی حدود یک کیلومتری از آن قرار دارد (شکل ۴) شاید علت این نام‌گذاری از سوی کلایس، فقط به‌خاطر تشابه آثار سفالی دو محوطه‌ی مذکور بوده است. تاکنون هیچ‌گونه فعالیت منسجم باستان‌شناسی نیز در راستای باستان‌شناسی ادوار تاریخی تپه شیطان صورت نگرفته است. به اعتقاد نگارندگان آثار سفالی که از دیواره‌ی حاصل خاک‌برداری تپه که به‌وسیله‌ی تیغه‌ی لودر نمایان شده، از قدیم به جدید معرف سفال هم‌عصر با محوطه‌ی تپه برده کُنته تا آثار متعلق به دوران متأخر اسلامی است که پی بردن به توالی دقیق زمانی آن مستلزم بررسی بیشتر و کار میدانی است.

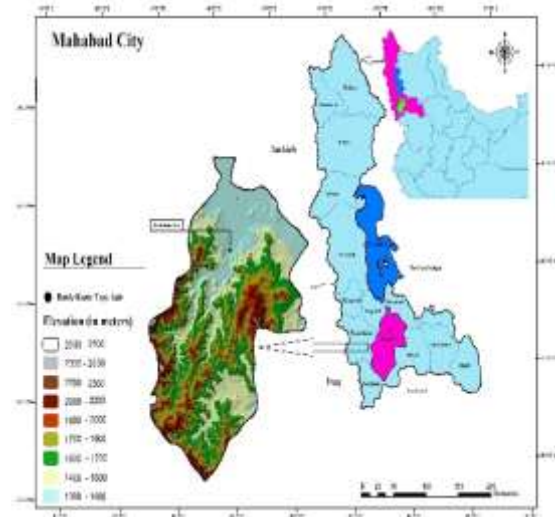
اولین فصل از بررسی و لایه‌نگاری، خواناسازی و پی‌گردی محوطه‌ی برده کُنته در تابستان ۱۳۹۱ به سرپرستی محمد قربانی و عبدالکریم اسمعیلی صورت گرفت. این مورد تنها فعالیت جدی باستان‌شناسی است که پس از شناسایی و بررسی انجام گرفته از سوی کلایس به‌منظور باستان‌شناسی دوره‌های استقراری در این محوطه صورت گرفته است.



شکل ۴- تصویرهای ماهواره‌ای از محوطه‌های تپه شیطان و تپه برده کُنته

جغرافیای تاریخی - سیاسی مانا

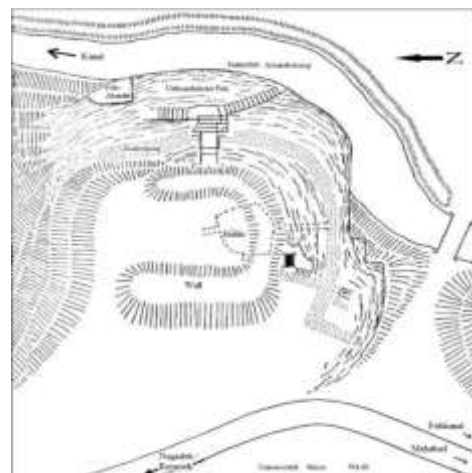
پژوهشگران برای بازسازی جامعه‌ی مانا به بررسی و مطالعه‌ی منابع متون تاریخی منطقه و جوامع همسایه‌ی آنان پرداخته‌اند. این دسته از متن‌ها شامل متون آشوری، اورارتویی، بابلی و تورات است که در این میان، بیشترین اطلاعات تاریخی مربوط به متون آشوری است. مانایان به‌واسطه‌ی کتیبه‌هایی موجود از دوره‌ی پادشاهان آشور همچون شلمانصر سوم (۸۲۴-۸۵۸ ق.م)، شمشعی آداد پنجم (۸۱۰-۸۲۳ ق.م)، آداد نیراری سوم (۷۸۲-۸۰۹



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی شهرستان مهاباد و موقعیت محوطه



شکل ۲- تصویرهایی از سه جبهه‌ی تپه به ترتیب از بالا به پایین: جبهه‌های غربی، شرقی و شمالی



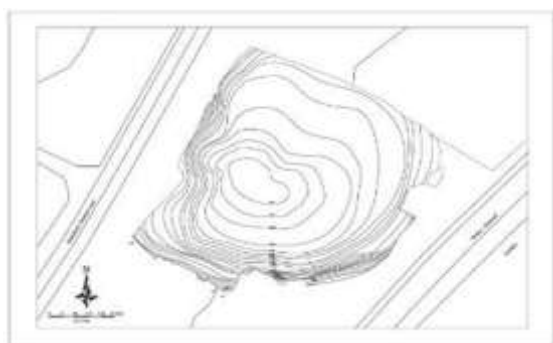
شکل ۳- نقشه و کروکی دستی ترسیم‌شده از تپه برده کُنته توسط کلایس (Kilais, 1970)

مانا از شمال غرب با ایالت خوبوشکیه مرز مشترک داشته است. این ایالت پیش از این در منطقه‌ی حکاری ترکیه و جنوب شرقی این کشور جایابی شده بود، اما مطالعات جدید آن را در منطقه‌ی پیرانشهر امروزی جایابی کرده است (Lanfrachi, 1995: 127-37) که با اشارات آشوری مطابقت بیشتری دارد. در صورت صحت این جایابی، مرزهای شمال غربی مانا را می‌توان در ارتفاعات غربی شهرستان مهاباد تعیین کرد؛ البته بر اساس شواهد موجود این ایالت در سده‌ی ۷ ق.م به قلمرو مانا الحاق می‌شود (ملازاده، ۱۳۹۰: ۵۰).

تاریخ دقیق اضمحلال حیات سیاسی مانا در دولت ماد هنوز روشن نیست، اما این رویداد که طی سال‌های ۶۱۰ تا ۵۹۰ ق.م پادشاهی ماد نه تنها پادشاهی آشور را از پای در آورد، بلکه پادشاهی‌های مانا، سکایان و اورارتو را نیز مطیع خویش ساخت (دیاکونف، ۱۳۸۶: ۲۹۰) می‌تواند پاسخی به این پرسش باشد.

معماری و سفال حاصل از لایه‌نگاری و خواناسازی

بعد از بررسی و جمع‌آوری داده‌های سطحی (که تنها داده‌های سطحی تپه شامل قطعات سفال و آن هم به مقدار کمی بود) از تپه‌ی اصلی نقشه‌ی توپوگرافی تهیه شد (شکل ۵). سپس تپه در ابعاد 10×10 متر شبکه‌بندی شد و در ضلع شمال شرقی آن یک ترانسه‌ی لایه‌نگاری به مختصات شبکه‌ای Y13 و X16 احداث شد (شکل ۶). تنها یافته‌ی معماری از ترانسه‌ی لایه‌نگاری، مربوط به بقایایی یک پی دیوار سنگ‌چین با ملات گل است (شکل ۷). در ساختمان این پی از سنگ‌هایی در ابعاد و اشکال ناهمگون استفاده شده است. این دیوار $2/70$ متر طول دارد که از حدود $1/30$ متری گوشه‌ی غربی دیواره‌ی جنوبی ترانسه شروع می‌شود و ضخامت آن حدود یک متر است.



شکل ۵ - نقشه توپوگرافی تپه برده گننه

ق.م)، سارگون دوم (۷۰۵-۷۲۱ ق.م)، سناخریب (۶۸۱-۷۰۴ ق.م)، اسرحدون (۶۶۹-۶۸۰ ق.م) و آشور بانی‌پال (۶۶۸-۶۲۸ ق.م) و همچنین شاهان اورارتویی، منوآ (پسر ایشپوئینی، حدود ۷۹۰-۸۰۴ ق.م)، آرگیشتی یکم (پسر منوآ، حدود ۷۶۶-۷۸۹ ق.م)، ساردوری سوم (پسر آرگیشتی یکم، حدود ۷۳۳-۷۶۵ ق.م) و روسای دوم (پسر آرگیشتی دوم، حدود ۶۵۴-۶۷۸ ق.م) نزد ما شناخته شده‌اند (Boehmer, 1964: 11).

مانایان اقوامی حوری‌زبان بوده‌اند که حکومت آنان از اوایل هزاره‌ی اول ق.م تا سال‌های پایانی سده‌ی هفتم ق.م در شمال غرب ایران موقعیت ویژه‌ای داشته است (ملازاده، ۱۳۹۰: ۵۳). برای اولین بار در سال ۸۴۳ ق.م در گزارش لشکرکشی شلمانصر سوم آشوری به حکومت مانا اشاره شده است (Lukenbill, 1926: 209). گزارش لشکرکشی شلمانصر در ۸۲۹ ق.م و شمش‌ی آدد پنجم (۸۱۰-۸۲۴ ق.م) آگاهی‌های ارزشمندی را در ارتباط با مانا فراهم می‌کند، سپس مانا تحت نفوذ شاهان اورارتو از قبیل ایشپوئینی، منوآ و آرگیشتی یکم (۷۶۵-۷۸۵ ق.م) قرار می‌گیرد (حسن‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۴). اندکی بعد مانا از اورارتو جدا شده و اورارتو دیگر نتوانست مانا را قطعاً مطیع و منقاد خویش سازد؛ هرچند اورارتوها در دوره‌ی آرگیشتی اول به سال‌های ۷۷۳ تا ۷۶۸ ق.م و ساردوری دوم (در آغاز دهه‌ی پنجم قرن هشتم ق.م) حملاتی به سرزمین مانا داشتند، اما نتوانستند آن‌جا را به قلمرو خود الحاق کنند. شاید نیرومندی مجدد مانا به ضعف موقعیت اورارتو و تقویت آشور که مقارن با سلطنت تیگلات‌پیلسر سوم، پادشاه آشور، بوده مربوط باشد. شکست سختی که از سوی لشکریان آشوری در دوره‌ی تیگلات‌پیلسر سوم در سال ۷۴۳ ق.م به اورارتو وارد آمد به دعاوی اورارتو در مورد حکومت بر مانا پایان بخشید و دوران رونق و شکفتگی دولت و کشور مانا آغاز شد (دیاکونف، ۱۳۸۶: ۶۵-۱۶۳). در گزارش لشکرکشی هشتم سارگن، از مانا به‌عنوان متحد آشور نام برده شده که نشان‌گر ارتقای جایگاه شاه مانا نسبت به متون پیشین است (Lukenbill, 1927: 77).

با توجه به متون و مدارک موجود پادشاهی مانا از شمال با اورارتو، از شمال غرب با خوبوشکیه، از غرب با ایالت آشوری زموآ^۱، از جنوب غربی با ایالت‌های کوچک آلبریه^۲ و کرل^۳، از جنوب با پرسوا^۴ و از جنوب شرق با ماد و گیزیل-بوند^۵ مرز مشترک داشته است (ملازاده، ۱۳۹۰: ۴۹-۵۰).

۹/۲۱ درصد آن‌ها را سفال‌های منقوش تشکیل می‌دهند که تنها از دو نوع سفال ظریف و خیلی خشن هستند و ۹۰/۷۹ درصد بقیه‌ی سفال‌ها از نوع غیر منقوش هستند. با توجه به سه معیار ارائه شده، طبقه‌بندی این مجموعه‌ی سفالی به صورت زیر است:

۱- سفال ظریف

- ۱-۱- سفال قرمز رنگ
- ۲-۱- سفال نخودی رنگ
- ۳-۱- سفال نخودی متمایل به قرمز
- ۴-۱- سفال کرم رنگ
- ۵-۱- سفال منقوش

۲- سفال معمولی

- ۱-۲- سفال نخودی متمایل به قرمز
- ۲-۲- سفال نخودی رنگ
- ۲-۳- سفال کرم رنگ
- ۴-۲- سفال سیاه شده یا ظروف آشپزخانه‌ای
- ۵-۲- سفال قرمز رنگ
- ۶-۲- سفال قهوه‌ای رنگ

۳- سفال خشن

- ۱-۳- سفال نخودی رنگ
- ۲-۳- سفال قرمز رنگ



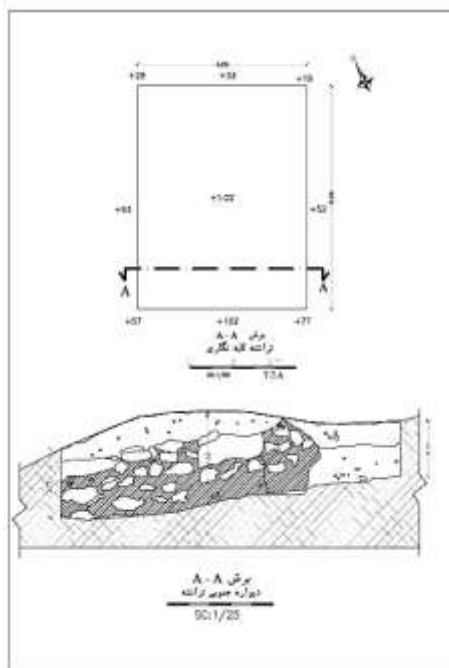
شکل ۶- موقعیت تپه برده گنته روی شبکه‌بندی ترانشه

سفال‌های این محوطه از سطح تپه، از ترانشه‌ی لایه‌نگاری و همچنین خواناسازی و پی‌گردی سازه‌های دست‌کند پلکان‌ها، چاله و تونل به‌دست آمد است. آثار سفالی به‌دست آمده را قطعات شکسته شده‌ی لبه، دسته، گردن، بدنه و کف ظروف تشکیل می‌دهند و هیچ ظرف سفالی کاملی به‌دست نیامد. تعداد سفال به‌دست آمده در اولین فصل کاوش در این محوطه ۱۹۹ قطعه بوده که تقسیم‌بندی آن‌ها بر سه معیار ۱- نوع سفال ۲- رنگ سفال ۳- نقش سفال انجام گرفته (نمودارهای ۱-۳) و به‌ترتیب تعداد ۶۴ عدد (۳۲/۱۶ درصد) سفال ظریف، ۱۰۸ عدد (۵۴/۲۷ درصد) سفال معمولی، ۲۵ عدد (۱۲/۵۶ درصد) سفال خشن، ۲ عدد (۱/۰۱ درصد) سفال خیلی خشن را تشکیل می‌دهند. از کل مجموعه‌ی سفال‌های یافته شده؛

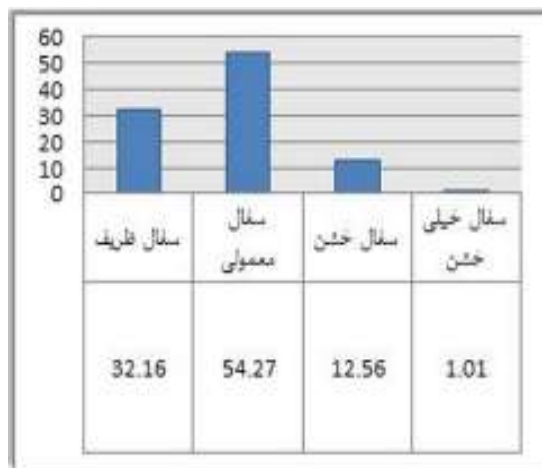
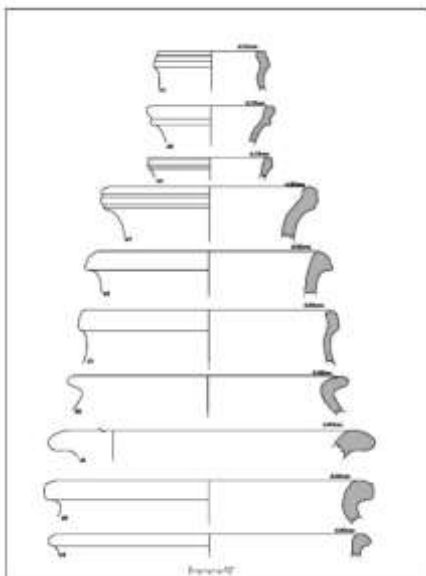
۴- سفال خیلی خشن

- ۱-۴- سفال با قرمز رنگ
- ۲-۴- سفال قهوه‌ای رنگ
- ۳-۴- سفال منقوش

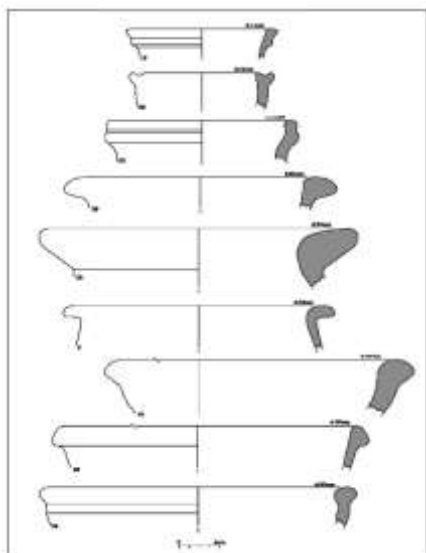
مجموعه سفال‌های به‌دست آمده از این محوطه از نظر کیفیت ساخت، تنوع شکل‌ها و لبه‌های مورد استفاده و فن ساخت همگی در قالب یک دوره‌ی تاریخی قرار می‌گیرند. سفال‌های این محوطه از نوع عصر آهن III و قابل مقایسه با سفال‌های یافت شده از محوطه‌های مانایی همچون تپه فلاچی، تپه ربط، تپه زیویه، قلعه بردینه، زندان سلیمان و کول‌تاریکه است (جدول ۱). سفال‌های ذکر شده از نظر شکل عبارت‌اند از: انواع خمره‌های کوچک و بزرگ، ظروف زورقی شکل، کاسه، بشقاب، کوزه و پیاله (شکل‌های ۸-۹). سفال‌های به‌دست آمده از محوطه‌ی تپه برده گنته با نوع سفال‌های هم‌عصر در محوطه‌ی تپه شیطان قابل مقایسه و مشابه هستند.



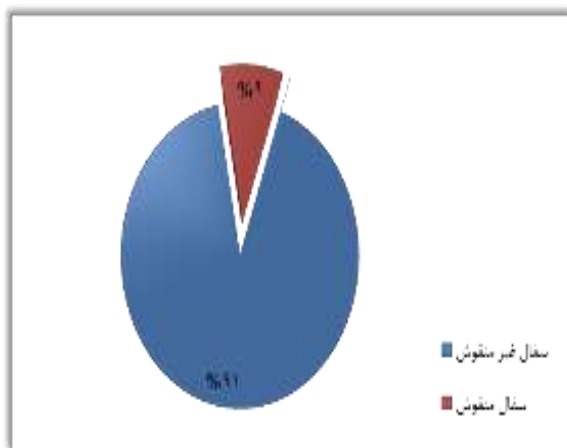
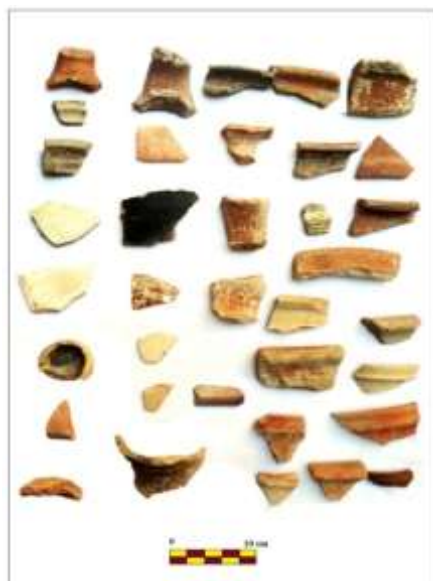
شکل ۷- ترانشه‌ی لایه‌نگاری محوطه تپه برده گنته



نمودار ۱- نمودار طبقه‌بندی مجموعه سفال‌های اولین فصل لایه‌نگاری و تپه برده کنته بر اساس نوع سفال



نمودار ۲- تقسیم‌بندی مجموعه سفال‌ها بر اساس رنگ سفال

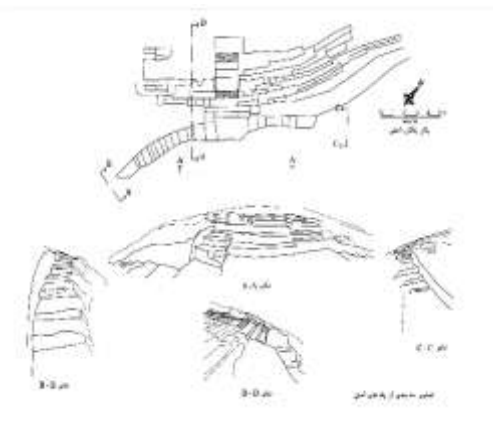


نمودار ۳- تقسیم‌بندی مجموعه سفال‌ها بر اساس منقوش و غیر منقوش بودن سفال

شکل ۸- طرح و تصویر شماری از سفال‌های به‌دست آمده



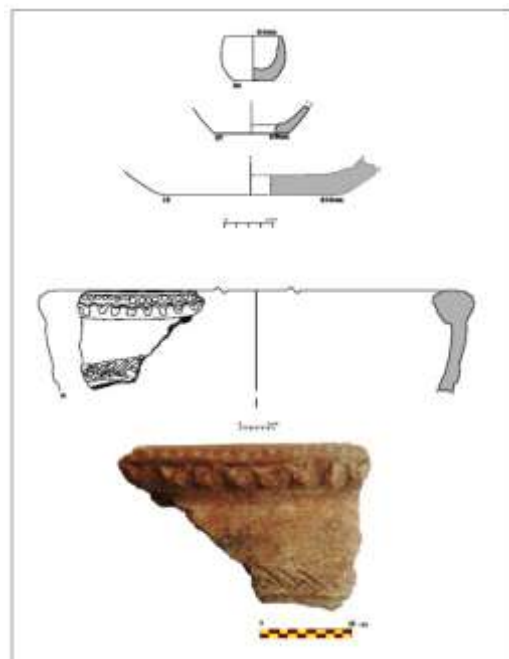
شکل ۱۰- پلان پلکان اصلی در جبهه‌ی شرقی تپه



شکل ۱۱- پلان و نماهای جانبی از مجموعه‌ی پلکان اصلی

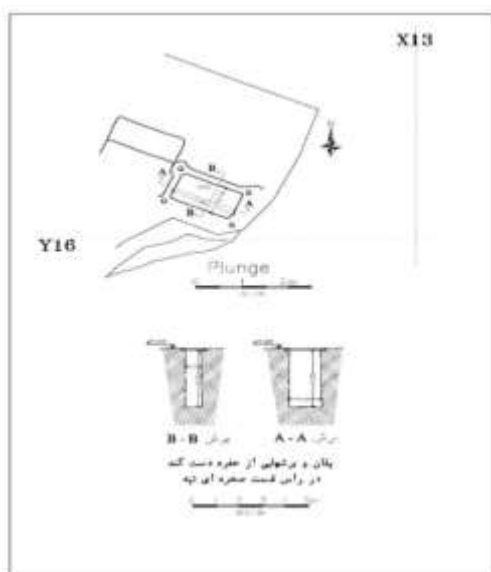


شکل ۱۲- تصویر پله‌های سمت جنوب شرقی پلکان اصلی



شکل ۹- طرح و تصویر لبه‌ی خمره‌ی بزرگ سفالی، به دست آمده از ترانشه‌ی لایه‌نگاری محوطه آثار معماری صخره‌ای

راه دسترسی به رأس تپه، از جبهه‌ی جنوب‌غربی آن و از کنار یک مجموعه پله‌ی دست‌کند شروع می‌شود. در میان این مجموعه پله‌ها، پلکان اصلی که در منتهی‌الیه ضلع - شرقی تپه واقع شده از اهمیت ویژه‌ای دارد (شکل ۱۰). این مجموعه پلکان در دو جبهه‌ی شمال‌شرقی و جنوب-شرقی دارای دو رشته پلکان است که به یک پاگرد به‌نسبت وسیع منتهی می‌شود که خود پاگرد نیز با سه پله‌ی دیگر به یک پاگرد کوچک‌تر که در امتداد رأس تپه است ختم می‌شود (شکل ۱۱). ابعاد و اندازه‌ی پله‌های دو سمت پاگرد در اثر عوامل طبیعی و انسانی دچار فرسایش شده با این اوصاف می‌توان گفت که شکل اصلی آن‌ها حفظ شده است. امتداد پله‌ها رو به پایین به لب رودخانه-ی مهابادرود - که از پای تپه عبور می‌کرده- منتهی شده که هنوز داغی که جریان سطح آب رودخانه در طی‌سالیان بر دامنه‌ی پایینی صخره ایجاد شده، باقی‌مانده است. از پلکان‌های جبهه‌ی جنوب‌شرقی ۱۱ پله باقی‌مانده است که با توجه به عوامل فرسایشی یاد شده، پله‌های باقی‌مانده در ابعاد متفاوتی هستند که بزرگ‌ترینش $20 \times 100 \times 120$ سانتی‌متر و کوچک‌ترینش $14 \times 40 \times 100$ سانتی‌متر است (شکل ۱۲). از پلکان‌های جبهه‌ی شمالی نیز ۶ پله باقی‌مانده است که ابعاد بزرگ‌ترینش $10 \times 90 \times 110$ سانتی‌متر و کوچک‌ترینش $13 \times 85 \times 63$ سانتی‌متر است.



شکل ۱۴- موقعیت و پلان چالهی دست‌کند در قسمت رأس تپه



شکل ۱۵. تصویر چاله و جزئیات عناصر دست‌کند آن

در بخش جنوبی تپه از حدود ۲ متری سطح زمین، دیواره‌ی صخره‌ای رو به بالا تراشیده شده که می‌توان آن را با نمای دیوارتراش در جلوی فخریگاه مقایسه کرد. این دیوارتراش در ابعاد $۵/۵۰ \times ۳/۶۰$ متر ایجاد شده که به عمق تقریبی ۹۰ سانتی‌متر تو رفتگی دارد (شکل ۱۶). اثر ذکر شده فاقد هرگونه نوشته یا نقش برجسته‌ای است و از این نظر کاملاً شبیه به نمونه‌ی فخریگاه است.



شکل ۱۶- دیوار تراش در بخش دماغه‌ی صخره‌ای تپه پَرده کُننه

ابعاد پاگرد اصلی نیز ۲۷۰×۱۷۰ سانتی‌متر است. پله‌هایی در دو سمت پاگرد اصلی و در سمت بالای آن تراشیده شده که به رأس تپه ختم می‌شوند. پاگرد دوم که کوچک‌تر از پاگرد اصلی است در ابعاد ۱۹۷×۱۰۰ سانتی‌متر تراشیده شده است و در نهایت پاگرد سوم که نیمه‌کاره رها شده و تقریباً در رأس تپه واقع شده ابعادی در حدود ۲۴۰×۱۱۷ سانتی‌متر دارد. پاگردها و پله‌هایی که رو به سمت رأس تپه دارند تراش ظریف و دقیقی دارند که این روند تا آخرین پاگرد ادامه دارد و در آنجا کار تراش آن‌ها به یک‌باره رها شده و پشته‌ی طبیعی صخره نمایان می‌شود (شکل ۱۳). در امتداد پاگرد اصلی در جهت شمال شرقی نیز یک رشته پله‌های نیم‌دایره‌ای در حدود ۶ ردیف ایجاد شده‌اند.



شکل ۱۳- تصویر پاگرد اصلی و پله‌های ناتمام رأس تپه

در بالاترین بخش صخره‌ای در ضلع جنوبی تپه، یک چاله در دل صخره کنده شده که عمق آن بعد از خواناسازی و پی‌گردی به ۳ متر رسید. ابعاد آن $۱۴۰ \times ۷۰ \times ۳۰۰$ سانتی‌متر است (شکل ۱۴). از داخل این چاله تعدادی سفال که از نوع سفال‌های به‌دست آمده از ترانسه‌ی لایه‌نگاری بود یافت شد. این چاله با دقت تمام در ابعاد ذکر شده در بالا به صورت مستطیل کنده شده که ابعاد دهانه‌ی آن با کف آن هم اندازه است. روی دهانه و در چهار گوشه‌ی آن ۴ حفره‌ی دایره‌ای شکل و هم‌اندازه ایجاد شده که قطر آن‌ها ۱۰ سانتی‌متر و عمق‌شان ۷ سانتی‌متر است. لبه‌های دهانه چاله به عرض ۱۵ سانتی‌متر و ارتفاع ۵ سانتی‌متر تراش خورده است که این وضعیت احتمال این‌که این چاله یک درپوش داشته است را تقویت می‌کند (شکل ۱۵).

تا سقف در قسمت ۱/۶۵ متر است. ابتدای دیوار شرقی یک کنج با زاویه ۴۰ درجه به طول ۲/۵۰ و ۱/۳۰ متر ایجاد شده که اولین شبه‌ستون به ضلع دیوار ۱/۳۰ متری چسپیده و ابعاد آن ۱۵۵×۳۰×۲۰ سانتی‌متر است. فرم شبه ستون به صورت مستطیل تراش خورده است. فاصله‌ی بین دو شبه‌ستون به صورت یک لوح تراش داده شده و ابعاد آن ۱۹۰×۱۶۰ سانتی‌متر است. هیچ‌گونه اثری از کتیبه یا نقش برجسته روی آن وجود ندارد. در دیوار روبه‌روی این فضا، ۲ فضای دالان مانند وجود دارد که حاصل عوامل فرسایش طبیعی است؛ در واقع دیوار ضلع غربی فاقد هرگونه دخالت انسانی است. بعد از شبه ستون دوم دهانه‌ی قاب مانند یک دالان دیگر که دست‌ساز است وجود دارد. ابعاد این دهانه‌ی قاب مانند ۷۰×۶۷ سانتی‌متر است. طول این دالان ۱۱/۱۵ متر است که ارتفاع و عرض آن در طول مسیر متفاوت است به طوری که در تنگ‌ترین قسمت به ابعاد ۶۷×۶۴ سانتی‌متر و در فراخ‌ترین قسمت آن به ۷۴×۸۴ سانتی‌متر می‌رسد. ادامه‌ی مسیر دالان دارای یک فضا با ارتفاع ۱/۷۴ متری از کف تا سقف است که به شکل قوسی تراش داده شده است. در این قسمت که عرض آن حدود ۱/۱۴ متر است می‌توان ایستاد. در ادامه یک دهانه‌ی قاب مانند دیگر وجود دارد که ابعاد آن ۶۴×۶۰ سانتی‌متر است. فضای پشت سر این دهانه به عمق ۱ متر و ارتفاع ۱/۶۰ متر است که این قسمت در واقع نقطه‌ی پایانی تونل و سازه‌ی دست‌کند محسوب می‌شود. اختلاف کف این قسمت نسبت به دهانه‌ی ورودی در ابتدای سازه ۲۰- سانتی‌متر است که هم‌سطح با کف فضای بزرگ یاد شده در ابتدای تونل است (شکل ۱۸).

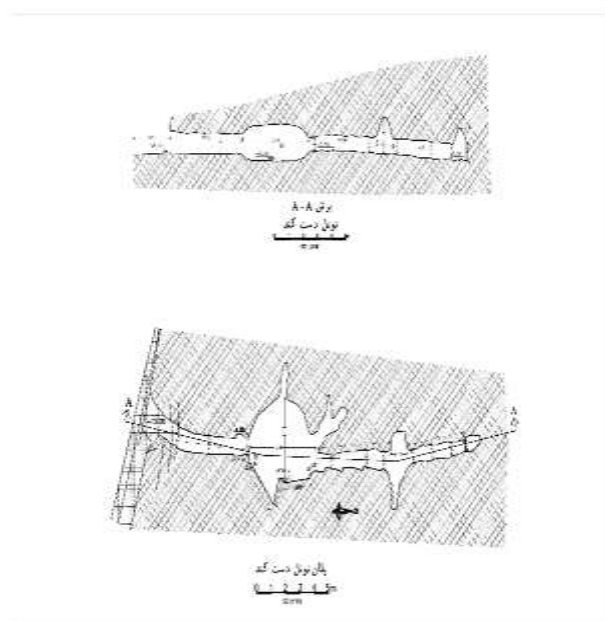
در قسمت جلوی دماغه‌ی صخره‌ای رو به پرتگاه در ضلع جنوبی تپه یک تونل در دل صخره کنده شده است. با توجه به جنس ساختمانی صخره که از تراورتن است این احتمال وجود دارد که فضای داخلی این تونل در اثر نفوذ آب به شکل طبیعی در دل صخره به وجود آمده و سازندگان این مجموعه با ایجاد آثار دست‌کند آن را با توجه به طرح مد نظر خود به نحو دلخواه توسعه داده‌اند. با اطمینان نمی‌توان ماهیت کاربری این دست‌کند و آثار درون آن را مشخص کرد؛ چرا که در این فصل از فعالیت‌های باستان‌شناسی انجام گرفته در تپه تنها برداشت پلان و بررسی ارتفاع کف تا سقف این دست‌کند در یک گمانه کوچک ۱×۱ متر انجام شده و سفال‌های محدودی که از آن جا به دست آمده بررسی و مشخص شدند که در مبحث داده‌های سفالی به آن پرداخته شد.

دهانه‌ی تونل در ارتفاع ۱۰ متری از سطح زمین قرار دارد که جلوی آن کاملاً صاف شده تا دسترسی به آن از پایین غیر ممکن شود. تنها راه دسترسی به دهانه‌ی تونل از بالای تپه است. حدود یک متر از دهانه‌ی تونل روباز است؛ بعد از آن ابعاد دهانه به ۱۰۰×۸۰ سانتی‌متر محدود می‌شود. طول دالان ورودی تونل که یک انحراف اندک به سمت غرب دارد ۵ متر است که همین انحراف، دید مستقیم به داخل فضای درونی را کمی سخت می‌سازد. بعد از تونل یک فضای بزرگ در ابعاد ۴/۵۶×۴ متر وجود دارد که شکل خاص هندسی ندارد (مجموعه شکل ۱۷). دیواره‌ی شرقی این فضا کاملاً با تیشه تراشیده شده و عناصر معماری همچون کنج، شبه ستون چسپیده به دیوار و یک لوح در بین دو شبه ستون ایجاد شده است. سقف این قسمت به صورت مسطح تراش خورده است. ارتفاع کف





شکل ۱۷- فضای داخلی تونل، قسمت فضای اتاق مانند مجموعه و ورودی دالان‌ها



شکل ۱۸- پلان و برش جانبی از مجموعه‌ی تونل دست‌کند

جدول ۱- مقایسه‌ی سفال‌های تپه برده گننه با محوطه‌های مانایی

| شماره سفال | فرم | نوع | رنگ خمیره | فن ساخت | شاموت | تزئینات | پوشش سفال | ارجاعات |
|------------|-----------|----------|----------------------|---------|-----------|----------------------------|-------------|------------------------------|
| ۲ | بدنه | معمولی | کرم | چرخ‌ساز | شن | نقش کنده | لعاب‌دار | رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۰۲، شکل ۵ |
| ۷ | کف | معمولی | نخودی | چرخ‌ساز | شن | غیر منقوش | بدون لعاب | حسن‌زاده، ۲۰۰۹: ۲۷۷، شکل ۱۷۴ |
| ۱۳ | لبه | ظریف | قهوه‌ای | چرخ‌ساز | شن | غیر منقوش | بدون لعاب | فرم محلی |
| ۱۵ | لبه | ظریف | نخودی | چرخ‌ساز | شن | غیر منقوش | لعاب‌دار | فرم محلی |
| ۱۶ | لبه | معمولی | نخودی متمایل به قرمز | چرخ‌ساز | سنگ ریزه | غیر منقوش | بدون لعاب | نومان، ۱۳۸۲: ۱۸۹، شکل ۷ |
| ۱۸ | لبه | معمولی | قرمز | چرخ‌ساز | شن | غیر منقوش | لعاب‌دار | ملازاده، ۲۰۰۸: ۱۲۴، شکل ۲۹ |
| ۲۵ | دسته | خشن | قرمز | چرخ‌ساز | شن | غیر منقوش | بدون لعاب | ملازاده، ۲۰۰۸: ۱۲۵، شکل ۹ |
| ۲۶ | لبه | معمولی | نخودی متمایل به قرمز | چرخ‌ساز | شن | غیر منقوش | بدون لعاب | نومان، ۱۳۸۲: ۱۹۸، شکل ۱۶ |
| ۲۸ | لبه | معمولی | قرمز | چرخ‌ساز | سنگ ریزه | غیر منقوش | لعاب بیرونی | حسن‌زاده، ۲۰۰۹: ۲۷۶، شکل ۲۳۴ |
| ۲۹ | لبه | خشن | نخودی | چرخ‌ساز | سنگ ریزه | غیر منقوش | بدون لعاب | نومان، ۱۳۸۲: ۱۸۹، شکل ۱۰ |
| ۳۲ | لبه | معمولی | قرمز | چرخ‌ساز | شن | غیر منقوش | لعاب بیرونی | نومان، ۱۳۸۲: ۱۹۸، شکل ۱۱ |
| ۳۳ | دسته | معمولی | نخودی متمایل به قرمز | دست‌ساز | شن | غیر منقوش | بدون لعاب | ملازاده، ۱۳۸۳: ۲۳۴، شکل ۱۷ |
| ۳۴ | بدنه و کف | معمولی | نخودی | دست‌ساز | ماسه بادی | غیر منقوش | بدون لعاب | ملازاده، ۲۰۰۸: ۱۲۵، شکل ۱۱ |
| ۳۵ | دسته | معمولی | قرمز | دست‌ساز | شن | غیر منقوش | بدون لعاب | حسن‌زاده، ۲۰۰۹: ۲۷۶، شکل ۱۰۶ |
| ۳۷ | کف | ظریف | نخودی | چرخ‌ساز | شن | غیر منقوش | لعاب‌دار | نومان، ۱۳۸۲: ۱۹۶، شکل ۴ |
| ۳۸ | لبه | خیلی-خشن | قرمز | دست‌ساز | سنگ‌ریزه | غیر منقوش | بدون لعاب | ملازاده، ۲۰۰۸: ۱۲۴، شکل ۱۱ |
| ۴۵ | لبه | معمولی | قرمز | چرخ‌ساز | ماسه | غیر منقوش | لعاب‌دار | ملازاده، ۲۰۰۸: ۱۲۱، شکل ۱۹ |
| ۵۰ | دسته | خشن | نخودی | دست‌ساز | سنگ‌ریزه | غیر منقوش | بدون لعاب | ملازاده، ۱۳۸۳: ۳۰۵، شکل ۲۶ |
| ۵۱ | لبه | خیلی-خشن | قرمز | دست‌ساز | سنگ‌ریزه | نقش افزوده و نیشگونی | بدون لعاب | فرم محلی |
| ۵۴ | دسته | معمولی | نخودی | دست‌ساز | شن | غیر منقوش | بدون لعاب | حسن‌زاده، ۲۰۰۹: ۲۷۶، شکل ۲۵۱ |
| ۵۵ | لبه | معمولی | نخودی متمایل به قرمز | چرخ‌ساز | شن | غیر منقوش | لعاب بیرونی | ملازاده، ۲۰۰۸: ۱۲۱، شکل ۱ |
| ۵۶ | کف | معمولی | نخودی متمایل به قرمز | چرخ‌ساز | شن | غیر منقوش | لعاب بیرونی | کارگر، ۱۳۸۳: ۲۴۵ |

| | | | | | | | | |
|----|------|--------|-------|---------|----------|--------------|-------------|------------------------------|
| ۶۱ | کف | خشن | نخودی | چرخ‌ساز | سنگ‌ریزه | غیر منقوش | لعاب بیرونی | حسن‌زاده، ۲۰۰۹: ۲۷۷، شکل ۱۶۶ |
| ۶۳ | کف | ظریف | قرمز | چرخ‌ساز | شن | غیر منقوش | لعاب‌دار | نومان، ۱۳۸۲: ۱۹۶، شکل ۳ |
| ۶۴ | لبه | معمولی | نخودی | دست‌ساز | شن | غیر منقوش | لعاب‌دار | رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۰۱، شکل ۸ |
| ۶۷ | بدنه | خشن | قرمز | دست‌ساز | شن | غیر منقوش | لعاب بیرونی | ملازاده، ۲۰۰۸: ۱۲۱، شکل ۲۸ |
| ۷۱ | دسته | خشن | قرمز | دست‌ساز | سنگ‌ریزه | غیر منقوش | بدون لعاب | حسن‌زاده، ۲۰۰۹: ۲۷۶، شکل ۲۵۱ |
| ۷۶ | کف | معمولی | قرمز | چرخ‌ساز | شن | غیر منقوش | بدون لعاب | ملازاده، ۲۰۰۸: ۱۲۲، شکل ۳۵ |
| ۷۹ | کف | معمولی | قرمز | چرخ‌ساز | شن | غیر منقوش | لعاب‌دار | حسن‌زاده، ۲۰۰۹: ۲۷۶، شکل ۱۴۹ |

نتیجه‌گیری

در سده‌های نخستین هزاره‌ی اول ق.م لشکرکشی‌های متعدد و به‌نسبت پیوسته‌ی که پادشاهان آشور به‌حوزه‌ی شمال غرب و غرب ایران داشتند، آنان را به‌طور مستقیم درگیر مسائل مرتبط با این مناطق کرده بود. اورارتوها نیز به‌عنوان یکی دیگر از قدرت‌های نظامی و سیاسی منطقه در معادلات سیاسی این حوزه نقش به‌سزایی ایفا کردند. مدارک موجود از متون تاریخی بیانگر این واقعیت است که دستگاه سیاسی مانا بنابر وضعیت فضای سیاسی حاکم بر منطقه، هر بار با یکی از این دو قدرت منطقه هم‌پیمان سیاسی می‌شده که هر یک از این پیمان‌ها تبعات خاص خود را به‌دنبال داشته‌اند. در واقع پادشاهی مانا همچون دو کفه‌ی ترازو عمل می‌کرده، هر بار بنابر منافع خود در منطقه، به‌نفع یکی از این دو قدرت اقدام می‌کرده است. این امر خود می‌تواند گویای این مطلب باشد که دستگاه سیاسی مانا که در قرن ۹ ق.م همچون یک حکومت از سوی آشور و اورارتو پذیرفته شده بود؛ در مناسبات سیاسی منطقه نسبت به دیگر اقوام ساکن منطقه جایگاه والاتری را به‌خود اختصاص داده بود.

در حوزه‌ی شمال غرب ایران، مرزهای سیاسی بین اقوام اورارتویی و مانایی بر اساس استقرارهای متعددی که تاکنون از آنان در منطقه به‌دست آمده، مشخص شده‌اند. با

آگاهی از این مطلب و شواهد آثار سفال به‌دست‌آمده از تحتانی‌ترین لایه‌ی ترانشه‌ی لایه‌نگاری به انضمام آثار سفالی به‌دست‌آمده از خواناسازی و پی‌گردی پلکان‌ها، تونل و چاله‌ی دست‌کند، این واقعیت آشکار می‌شود که داده‌های سفالی محوطه تپه برده‌گشته متعلق به یک فرهنگ و در قالب یک دوره‌ی تاریخی هستند و همسنجی آن‌ها بیانگر این است که یافته‌های باستان‌شناختی برده‌گشته با یافته‌های مانایی تپه قلاچی بوکان، تپه ربط، تپه زیویه و قلعه بردینه مشابهت‌هایی دارد. گاه‌نگاری نسبی صورت‌گرفته براساس داده‌های سفالی نشان می‌دهد که این محوطه و مجموعه آثار دست‌کند صخره‌ای آن مربوط به دوره‌ی آهن III و متعلق به اقوام مانایی ساکن در منطقه است. بنابر شواهد یادشده دیدگاه و لفرایم کلاسیس مبنی بر اورارتویی بودن محوطه برده‌گشته پذیرفتنی نیست و یافته‌های این محوطه بیانگر حدود قلمرو مانایان در منطقه‌ی مهاباد است.

پی‌نوشت‌ها

1. Zamua
2. Allabria
3. Karaall
4. Parsua
5. Gizilbunda

منابع

۱. حسن‌زاده، یوسف، ۱۳۸۸، درآمدی بر باستان‌شناسی، تاریخ و فرهنگ ماناها براساس جدیدترین یافته‌ها، دوفصل‌نامه-ی باستان‌پژوهی، شماره ۷، دوره‌ی جدید، سال چهارم، بهار و تابستان، تاریخ انتشار خردادماه ۱۳۹۰، صص ۵۴-۵۸.

۲. دیاکونف، ا. م.، ۱۳۸۶، *تاریخ ماد*، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ هشتم.
۳. رادمیدی‌نیا، مهرداد، ۱۳۸۸، ایزیرتو ۲؛ مجموعه آثار تاریخی-فرهنگی مهاباد: برده کنته، به کوشش یوسف حسن‌زاده، تهران: انتشارات طیف‌نگار، صص ۳۱-۳۰.
۴. رضوانی، حسن، ۱۳۸۳، «گزارش پژوهش‌های میدانی فصل اول و دوم گورستان کول‌تاریکه، کردستان»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران؛ حوزه‌ی شمال‌غرب/ به کوشش مسعود آذرنوش، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (پژوهشگاه)، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، صص ۱۱۰-۸۱.
۵. کارگر، بهمن، ۱۳۸۳، «قلایچی: زیرتو مرکز مانا لایه Ib ۱۳۸۱-۱۳۷۸»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران؛ حوزه‌ی شمال‌غرب/ به کوشش مسعود آذرنوش، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (پژوهشگاه)، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، صص ۲۴۵-۲۲۹.
۶. ملازاده، کاظم، ۱۳۹۰، «پادشاهی مانا؛ نگاهی به ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی مانا بر پایه‌ی آگاهی‌های باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی»، دوفصل‌نامه‌ی باستان‌پژوهی، شماره ۷، دوره‌ی جدید، سال چهارم، بهار و تابستان، تاریخ انتشار خرداد ۱۳۹۰، صص ۵۳-۴۵.
۷. ملازاده، کاظم، ۱۳۸۳، باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی مانا، رساله‌ی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس تهران (منتشر نشده).
۸. هنینگ‌فون دراوسن، هانس، ناومان، رودلف، ۱۳۸۲، تخت سلیمان، ترجمه‌ی فرامرز نجد سمیعی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی- پژوهشگاه، چاپ دوم.
9. Boehmer, R. M., 1964, "Volkstum und Stadte der Mavnaer" *Baghdader Milleilungen III*: 11-24.
10. Godard, A., 1948, "Comments in musee Cernuschi, Iran: Pieeces du Tehran, du Musee du Louver", et de Collections Particulieres (Paris) 9, 14.
11. Hassanzadeh, Y., 2009, "Qal'e Bardine, a Mannaeian local chieftdom in the Bukan Area, North-Western Iran", *AMIT*, Band 41, pp. 269- 282.
12. Kleiss, W.. 1970, "Bericht Uber Erkundun gsfahrten in Northwest- Iran Im Jahre 1969, (Tafel 49-64)", *AMI*, pp. 107- 132.
13. Lanfrachi, G. B., 1995, "Assyrian Geography and Assyrian Letters. The location of Hubuskia again", in Liverani (ed.) *Neo- Assyrian Geography*: 127-37.
14. Lemaire, A., 1988, "Une Inscription Arameene du VIIIe S.AV. J.-C. trouee a Bukan (Azerbaijan Iranien)", *Studia Iranica*, vol 27: pp.15-30.
15. Lukenbill, D. D., 1926, *Ancient Records of Assyria and Babylonial Historical Records of Assyria from the Earliest to Sargon*, Chicago: The University of Chicago perss.
16. Lukenbill, D. D., 1927, *Ancient Records of Assyria and BabylonialII Historical Records of Assyria from the Sargon to the end*, Chicago: The University of Chicago perss.
17. Molazadeh, K., 2008, "The pottery from the Mannean site of Qalaichi, Bukan (N.W-Iran)", *Iranica Aniiqua*, vol. xl-III, pp. 106- 125.
18. Muscarlla, O. W., 1973, "Excavations at Agrab Tepe", *Metropolitan Museum Journal*, vol 8, pp. 47-76.

